

رئیس پلیس فتای قراجا از اجرای طرح برخورد با جرائم اخلاقی و مغایر با شئونات اسلامی، اجتماعی و فرهنگی؛ شامل لایوهای مستهجن، تولید محتوای مبتذل و مدلینگ در فضای مجازی خبر داد. به گزارش جام جم، سردار وحید معجد درباره جزئیات اجرای این طرح گفت؛ با اجرای طرح عملیاتی پیش‌دستانه علیه جرائم اخلاقی و مغایر با شئونات اسلامی، اجتماعی و فرهنگی؛ شامل لایوهای مستهجن،

برخورد پلیس فتا بالایوهای مستهجن

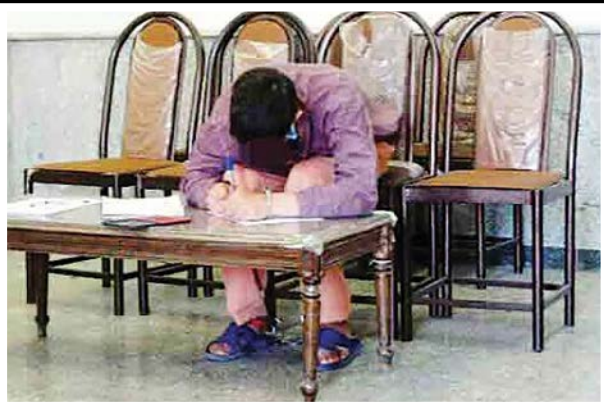
تولید محتوای مبتذل و مدلینگ؛ گردانندگان، مدیران و اعضای ۱۰ نشانه‌گاه سایبری فعال، شناسایی شده و مورد اقدام عملیاتی و قضایی قرار گرفتند. وی ادامه داد: از ابتدای سال جاری تاکنون تعداد ۹۸۲۵ تارنما نیز مورد رصد عام قرار گرفتند که با بررسی اطلاعاتی سایبری روی ۲۸۴۲ فقره تارنمای مشکوک تعداد ۱۷۶۵ موردجرمانه مشاهده شد که از این تعداد ۷۶۵ مورد با تذکر تلفنی و با همکاری هموطنان

تمامی محتوای نامناسب مسدود شد و مابقی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند. رئیس پلیس فتا قراجا افزود؛ با بررسی‌های صورت گرفته شبکه اجتماعی اینستاگرام با بیش از ۹۱ درصد؛ کمترین حجم آلودگی جرائم غیراخلاقی را به خود اختصاص داده‌است. وی ادامه داد؛ بخش اعظم گزارشات این حوزه توسط کاربران فهیم و آگاه فضای مجازی به این پلیس گزارش شده است.



۲ قاتل با درخواست اولیای دم قصاص شدند

سحرگاه متفاوت برای ۳ محکوم به مرگ



مسعودیه تهران به قتل رسانده بود. مدتی بعد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. خانواده مقتول برایش قصاص خواستند. متهم در جلسه محاکمه در دفاع از خود گفت: کشاورز بودم و وضع مالی‌ام خوب بود اما پسر عمویم -مقتول - به زندگی‌ام حسادت می‌کرد. او که جادوگری بلد بود با سحر و جادو ۱۰ سال از زندگی‌ام را نابود کرد. مشکلات زندگی‌ام تمامی نداشت. هر وقت از او غذا و چای می‌گرفتم و می‌خوردم بدحال می‌شدم و زندگی‌ام بدتر و خراب‌تری شد. او حتی با جادوگری‌اش ذهنم را تسخیر کرده و باعث شده بود به

سمت کار خلاف بروم و آدم‌ربایی و دزدی مسلحانه انجام دهم. سال‌ها زندانی شدم و دو ماه قبل از مرگش آزاد شدم. او زندگی‌ام را طلسم کرده بود. برای از بین بردن این طلسم جاقو به دست به خانه‌شان رفتم، او را کشتم و می‌خواستم زن و بچه‌اش را هم بکشم که فرار کردند. « دومین زندانی، مهرداد بود که پنجم شهریور سال ۹۶ در یک دعوی خیابانی در کیانشهر یکی از طرفین دعوا را با ضربه جاقو به قتل رسانده بود. این در حالی بود که سه هفته قبل او پای چوبه دار رفت و توانست برای جلب رضایت مهلت بگیرد اما مهلت او

پایان گرفت و دوباره پای چوبه دار رفت. سومین زندانی فرشید بود که دهم مهر سال ۹۹ مردی را در جریان معامله یک دستگاه موتورسیکلت در خانه‌اش در تهران به قتل رساند. پس از محاکمه در دادگاه کیفری یک استان تهران خانواده مقتول برایش قصاص خواستند. او در جلسه محاکمه در دادگاه گفت: چون قصد خرید موتورسیکلت داشتم از دوستانم خواستم اگر فروشنده‌ای پیدا کردند به من معرفی کنند که مقتول را معرفی کردند. بعد از توافق ۲۷ هزار تومان به عنوان بیعانه پرداختم و قرار شد بعد از تحویل موتورسیکلت و زدن سند به نامم بقیه آن را

بپردازم. آن شب با دوستانش به خانه‌ام آمد. به آشپزخانه رفتم تا برایش چای بیاورم که با جاقو به من حمله کرد و می‌خواست اموال‌م را سرقت کند که زخمی شدم. من هم جاقویی برداشتم و او را زخمی کردم. بعد از انتقال به بیمارستان من زنده ماندم اما او مرد. سه زندانی به جایگاه اعدام منتقل شدند و با دیدن خانواده مقتولان برای جلب رضایت آخرین تلاش‌شان را کردند. فرید و مهرداد نتوانستند رضایت بگیرند و حکم‌شان اجرا شد. فقط فرشید توانست از خانواده مقتول برای جلب رضایت یک ماه مهلت بگیرد که به سولش بازگشت.

اتفاقیه

تلاش خانوادگی

برای نجات راننده از مرگ آتشین



انفجاری مهیب، آتش سوزی و مرگی دردناک در انتظار راننده جوان ۲۷ساله‌ای بود که در مسیر روستای نورآباد به شهر خوزی چپ کرده و هوشیاری‌اش در اثر شدت سانحه مختل شده بود. درحالی‌که برخی شاهدان حادثه جرات نزدیک شدن به این صحنه خطرناک را نداشتند، سه نفر از اعضای یک خانواده از خودروی خود پیاده شدند و در شرایطی که هر لحظه خطر انفجار خودرو وجود داشت، راننده را نجات دادند.

زهرا مرادی، زن میانسالی است که همراه خواهر و برادرش جانش را کف دستش گرفت و راننده زخمی را نجات دادند. آن‌طور که مرادی به جام جم توضیح می‌دهد، شب جمعه هفته گذشته خواهر و برادرش دنبال او در روستای نورآباد آمدند تا با هم به خانه پدری‌شان بروند؛ «از روستای مان که خارج شدیم، نرسیده به شهر خوزی، یک خودروی ۴۰۵ نقره‌ای با سرعت زیادی از کنار ما رد شد که شاید ۲۵ یا ۲۵ متر ما فاصله داشت. چند ثانیه بعد یزپ چپ کرد و بعد از چپ شدن و در حالی‌که چهار چرخش روبه بالا بود از حرکت ایستاد. با دیدن این صحنه وحشتناک، بچه‌های مان را در خودرو گذاشته و در را به روی‌شان قفل کردیم تا خطری تهدیدیشان نکند. بعد با یک دبه ۱۰۰ لیتری آب همراه خواهر و برادرم به سمت یزو رفتم. ساعت ۹ شب بود آن موقع وسط اتوبان ایستادم و از خودروهای عبوری کمک می‌خواستم اما هیچ‌کس نمی‌ایستاد. تا این‌که یکی از همشهریان مان ما را شناخت و گفت زهرا چه خبر شده تا توضیح دادم. در یزو را با سنگ و ضربه و لگد و هرچه که می‌توانستیم باز کردیم و راننده را بیرون کشیدیم. راننده وضعیت خوبی از نظر هوشیاری نداشت اما نگران این بودیم که غیر از خودش فرد دیگری هم در خودرو باشد. به راننده گفتم فرد دیگری هم در خودرو حضور داشت؟ من جانم را کف دستم گرفته‌ام، اگر همراه داشتی برویم و او را نجات دهیم. راننده منگ بود و متوجه شرایط و موقعیتش نبود. گفت نمی‌دانم برو ببین اگر کسی بود نجاتش بده. خواهرم رفت و سنگ شیشه عقب یزو را شکست و با نورگوشی تلفن همراهش همه جا و زیر صندلی‌ها را با دقت نگاه کرد اما خدا را شکر کسی را پیدا نکرد. هنوز چند دقیقه‌ای از نجات راننده نگذشته بود که یک‌دفعه یزو با صدای مهیبی منفجر شد و در آتش سوخت. «

مرادی ادامه می‌دهد: «بعد از نجات او، مردم با او اورژانس تماس گرفتند و ۳۰ دقیقه بعد هم آمبولانس آمد و راننده ۲۷ساله را به بیمارستان منتقل کرد و تا جایی که خبر دارم، خدا را شکر حالتش خوب است. اگر نگران انفجار ناگهانی یزو و آتش سوزی نبودم و تجهیزاتی به همراه داشتم، حتماً آتش را خاموش می‌کردیم تا خسارت مالی زیادی به این جوان، آن هم در این شرایط اقتصادی وارد نشود اما متأسفانه تجهیزات نداشتیم و خودروی وی در آتش سوخت. در آن لحظه حتی به جان بچه‌های خودم هم فکر نمی‌کردم و نجات جوان راننده برای من مهم‌تر بود که خدا را شکر با کمک خواهر و برادرم او را نجات دادم. «

محکمه

زن متهم به همسرکشی در دادگاه:

اگر شوهرم را نمی‌کشتم، خودم کشته می‌شدم

زن جوان که در جریان درگیری صبحگاهی با همسرش او را با ضربه جاقو به قلبش کشته بود، در جلسه دادگاه مدعی شد که قصدش از این کار، نجات جان خودش بوده است.

به گزارش خبرنگار «جام جم»، رسیدگی به این پرونده جنایی از صبح دهم اردیبهشت سال گذشته آغاز شد. زن جوان وحشت‌زده از خانه‌شان در پاکدشت بیرون آمد و برای نجات جان همسرش درخواست کمک کرد. همسایه‌ها با او اورژانس تماس گرفتند اما وقتی امدادگران اورژانس در خانه حاضر شدند، دریافتند مرد جوان بر اثر اصابت ضربه جاقو به سینه‌اش جان باخته است.

با گزارش موضوع به پلیس، تحقیقات جنایی آغاز شد. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد که در بررسی‌ها ضربه جاقو به قلب و خونریزی، علت مرگ اعلام شد.

زن جوان به نام مینا در تحقیقات به قتل شوهرش اعتراف کرد و گفت: چهار سال قبل با محمود آشنا شده و ازدواج کردیم. همیشه با هم اختلاف و درگیری داشتیم. خانواده‌ها برای این‌که به دعواهای ما پایان دهند، پیشنهاد دادند بچه‌دار شویم. دوسال قبل بچه‌دار شدیم اما رفتار همسرم تغییری نکرد. هر روز بداخلاق‌تر می‌شد. سر هر موضوعی دعوا راه می‌انداخت و مرا به

پاکدک می‌گرفت. امروز صبح (روز حادثه) با داد و فریاد محمود و کت‌ک‌هایش از خواب بیدار شدم. از من خواست تلفنم را به او بدهم که مقاومت کردم. مرا روی زمین انداخت و با دست گلویم را گرفت. چشمانم سیاهی‌رفت. نفسم به شماره افتاده بود. برای نجات خودم تقلا می‌کردم که دستم به جاقویی خورده که روی زمین افتاده بود. با آن ضربه‌ای به شوهرم زدم که غرق در خون روی زمین افتاد. ترسیدم و از همسایه‌ها کمک خواستم‌که وقتی امدادگران اورژانس آمدند، گفتند او مرده است.

با تکمیل تحقیقات در دادسرای پاکدشت، برای «مینا» کیفرخواست صادر و پرونده برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای دم مقتول از طرف خودشان و فرزند صغیر پسرشان درخواست قصاص کردند.

پدر محمود در شکایتش گفت: پسرم هرگز عروسم را کتک نزده بود و مینا دروغ می‌گوید. نمی‌دانم در آن درگیری چه اتفاقی رخ داد که این زن پسرم را کشت. درخواست ماقصاص است و حاضر به بخشش نیستم.

رئیس دادگاه سپس از مینا خواست از خود دفاع کند که زن جوان



گفت: روز حادثه خواب بودم که با شوک کتک زدن شوهرم از خواب بیدار شدم. او قوی‌هیکل بود و نمی‌توانستم خودم را از دست او نجات بدهم. دستم به کاردمیوه خوری خورد و خواستم آن را به سمت همسرم بگیرم تا بترسد و رهایم کند که ناخواسته جاقو در بدنش فرو رفت.

رئیس دادگاه: جاقو را برای ترساندن همسرت سمت اوگرفتی یا دفاع از خودت؟

متهم به قتل: قصدم ترساندن همسرم بود. محمود گلویم را گرفته بود و نفسم بند آمده بود. فکر کردم دیگر زنده نمی‌مانم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

عدلیه

سناریوی هولناک پسر برای قتل مادر

پلیس ۱۱۰ زنگ زدند و ماجرا را اطلاع دادند.

وقتی ماموران سر رسیدند به سمت طبقه سوم رفتند که با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. جسد زنی سالخورده در

پاگرد در حال سوختن بود. همچنین رد خون از پاگرد تا خانه‌شان دیده می‌شد. همسایه‌ها و ماموران شعله‌های آتش را خاموش کردند. پشت در رفتند و با پسر جوان حرف زدند تا تسلیم شود اما او در را باز نمی‌کرد و با تهدید می‌گفت اگر همه نروند با اسید خود را هم می‌سوزاند. ماموران قفل در را باز کرده و وارد شدند. مرد جوان بطری به دست تهدید به خودکشی می‌کرد و حتی می‌خواست با همان بطری اسید به ماموران حمله کند که موفق نشد. ماموران نزدیک شدند و توانستند بر دستانش دستبند بزنند. خانه به‌هم ریخته بود و حتی پی‌ی بده متهم چند کتاب را هم در اتاق آتش زده است. جاقو و پیچ‌گوشتی در اتاق نشیمن افتاده و لکه‌های خون در آنجا ریخته شده بود. داخل بطری را بررسی کردند که در آن جوهر نمک بود. در ادامه تیم جنایی پلیس آگاهی به آنجا اعزام شدند و پی بردند زن ۷۰ ساله با همان ضربه‌های پیچ‌گوشتی و جاقو که از پاهایش تا نقاط مختلف بدنش اصابت کرده به قتل رسیده و بیکرش آتش گرفته است.

ماموران به تحقیق از همسایه‌ها پرداختند که آنها گفتند این پسر مشکلات روحی و روانی داشت و با مادرش زندگی می‌کرد. مدام با هم دعوا و درگیری داشتند و بیشتر مواقع وقتی قرص اعصابش را نمی‌خورد به جان مادرش می‌افتاد و حتی با همسایه‌ها پر خاشاکی می‌کرد. آن شب هم بعد

جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۱۴ شماره ۶۷۵۸

تپش

در گفت و گوی «جام جم»

با وکیل امیرحسین مقصودلو مطرح شد

رضایت از روند قضایی پرونده تتلو

پرونده امیر تتلو یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های قضایی است که تا به حال دو جلسه آن برگزار شده‌است. برای بررسی آخرین وضعیت پرونده گفت‌وگویی با الهام رحیمی، ف، وکیل تتلو انجام دادیم. وی در این گفت و گو تأکید کرد: دادگاه فرصت کافی برای دفاع را به موکلم داده است. خانواده‌اش برای ملاقات با او منعی ندارند و دیدارشان در دادگاه رسانه‌ای شد. وی با اشاره به رضایت از روند دادگاه اظهار کرد: با توجه به این‌که مرجع قضایی هنوز تصمیم نهایی را اتخاذ نکرده، نمی‌توان درباره روند پایدانی دادگاه اظهار نظر کرد.



برای دیدن این مصاحبه کیوارکد را اسکن کنید

کوتاه از حوادث

از رهایی گروگان نادرستگیری قاتل پدر

رئیس پلیس آگاهی استان فارس از رهایی گروگان ۵۶ ساله و دستگیری پسر تاخلف به دلیل قتل خبر داد. به گزارش خبرنگار جام جم، عصر روز پنجشنبه گذشته اهالی یکی از خیابان‌های شیراز با صحنه‌ای هولناک روبه‌رو شدند. هشت سرنشین سه خودرو سفید رنگ مقابل یکی از کافه‌ها توقف کردند. سرنشینان دو خودرو خیلی آرام وارد کافه شدند و از مرد تنهایی که مشغول خوردن قهوه بود درخواست کردند که همراه آنها برود. مرد میانسالی اما یکبارہ شروع به داد و فریاد و کمک‌خواهی کرد. مردان قوی‌هیکل که خود را در محصمه می‌دیدند، به‌زور مرد میانسال را سوار خودرو کرده و با عجله فار کردند. اهالی محل که شاهد این صحنه بودند، سریع موضوع آدم‌ربایی را با پلیس درمیان گذاشتند. دقایقی بعد تیم‌های ویژه پلیس مقابل کافه رسید و با بازبینی دوربین‌ها و تحقیق از شاهدان، عملیات خود را برای رهایی مرد گروگان آغاز کردند. ساعتی بعد خانواده مرد ۵۶ساله به پلیس مراجعه و شکایت خود را مطرح کرده و مشخص شد رابایندگان با مرد گروگان اختلاف مالی دارند و به همین دلیل دست به آدم‌ربایی زده‌اند. با کشف این سرنخ، هویت آدم‌رباها شناسایی و تلاش برای دستگیری آنها آغاز شد اما چند ساعت بعد مرد ۵۶ساله با پلیس تماس گرفت و از رهایی خود خبر داد. مرد گروگان در تحقیقات گفت: عاملان ربایش با من اختلاف حساب داشتند و ساعتی قبل من را از کافه ربودند. چند ساعتی در خیابان دور زدند و از بین حرف‌های‌شان فهمیدم که لو رفته‌اند و پلیس دنبال آنهاست. وقتی هوا تاریک شد من را در یک خیابان خلوت رها کرده و فرار کردند. سرهنگ کاووس حبیبی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس با اعلام این خبر گفت: تیم‌های ویژه پلیس در حال ردیابی هشت متهم گروگانگیر هستند تا به زودی آنها را دستگیر کنیم. وی در ادامه با اشاره به پرونده پدرکشی گفت: روز شنبه ماموران پلیس لارستان در جریان مرگ مرد میانسالی در یکی از روستاهای این شهرستان قرار گرفتند. با حضور ماموران در روستا مشخص شد مرد ۶۰ساله به علت اصابت چند ضربه جاقو جانش را از دست داده است. تحقیقات مقدماتی برای راه‌گشایی از این جنایت آغاز شد که پسر مقتول ادعا کرد، برادرش قاتل است و پس از کشتن پدرمان با تهدید از روستا خارج شد. با شناسایی هویت عامل جنایت، کارآگاهان پلیس شش ساعت بعد از قتل، موفق شدند متهم را شناسایی و دستگیر کنند. پسر ۳۰ساله در تحقیقات اولیه به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت: با پدرم چند وقتی بود اختلاف داشتیم و همیشه به من گری می‌داد. امروز هم دوباره درگیر شدیم. عصبانی شدم و با برداشتن جاقو از آشپزخانه چند ضربه به پدرم زدم، خونین‌روی زمین افتاد و من از ترس فرار کردم.

قتل ۲ نفر بر سر آریه خانوادگی

مردی که بر سر اختلاف اریه خانوادگی، دو نفر از اقوامش را با ضربه‌های سنگ به قتل رسانده بود، بازداشت شد. سرهنگ محمد قاسم طهرانی، فرمانده انتظامی شهرستان ری در این باره به جام جم گفت: اوایل اردیبهشت امسال، کشف اجساد یک زن و مرد میانسال در کوه‌های محدوده قیام‌دشت به فوریت‌های پلیسی ۱۱۰گزارش شد. مأموران کلانتری قیام‌دشت برای بررسی ماجرا به آنجا اعزام شدند. همزمان با حضور مأموران در آنجا و بررسی‌های اولیه معلوم شد آثار پراثر اصابت ضربه‌های سنگ بر سرشان به قتل رسیدند. وی افزود، در ادامه تحقیقات محلی هویت مقتولان به دست آمد. با تحقیق از خانواده‌های‌شان معلوم شد که آنها با مردی بر سر آریه خانوادگی اختلاف مالی داشتند که او به‌عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد. در ادامه تحقیقات متهم فراری را داشت شد. متهم در ادامه تحقیقات به قتل خاله و پسردایی خود به انگیزه اختلاف سر آریه خانوادگی اعتراف کرد.